

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ایمل خان فیضی

۱۷ جولای ۲۰۱۱

گروه شبه نظامی افغان سی آی ای:

نوعی از ساختارهای نقض کننده حقوق بشر و موازی با حکومت

در سپتمبر ۲۰۱۰، زمانی که کتاب "جنگ های اوپاما"، از باب وُدوارد، ایدیتور و ژورنالیست تحقیقی روزنامه واشنگتن پوست، از چاپ درآمد، یک نسخه این اثر تحقیقی به من هم رسید. باب وُدوارد مانند کتاب قبلی خود، "بوش در جنگ"، در اثر جدیدش (جنگ های اوپاما) خواسته است تا یک سلسله حقایق درونی اداره اوپاما را از اولین روزهای انتخابش به حیث چهل و چهارمین رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، بیرون آورد. این کتاب که حاصل صد ها ساعت مصاحبه با مقامات کلیدی، اسناد محرمانه دولتی و یادداشت ها از ملاقات ها و جلسات مهم شخص رئیس جمهور و اعضای اداره وی می باشد، بیشتر روی جنگ افغانستان، ستراتیژی اداره اوپاما برای افغانستان و پاکستان، اختلافات میان رهبری نظامی و ملکی دولت امریکا در این جنگ و همچنان عملیات جنگی مخفی در پاکستان و مناطق سرحدی آنکشور با افغانستان، متمرکز است.

هدف مطلب هذا در اصل معرفی این کتاب که اکنون نزدیک به یک سال از چاپ آن می شود، نیست بلکه سعی می شود تا عملیات جنگی مخفی که از سوی سازمان استخبارتی امریکا توسط عناصر اجیر افغان و پاکستانی در هر دو طرف خط دیورند صورت می گیرد و باعث بروز مشکلات برای حکومت مرکزی و مردم جنگ زده و بیچاره ما می گردد، تا حد امکان روشن گردد، که مؤلف کتاب یادشده، اولین افشاگر موجودیت و فعالیت گروه اجیر افغان سی آی ای در افغانستان می باشد.

باب وُدوارد، افشاگر فعالیت ملیشه ۳۰۰۰ نفری افغان سی آی ای

باب وُدوارد می نگارد^۱ که به تاریخ ۹ دسمبر ۲۰۰۸، مایکل وسانت هایدن، رئیس سازمان استخباراتی امریکا (۲۰۰۶-۲۰۰۹) رئیس جمهور تازه منتخب (اوپاما) را برای دو ساعت ملاقات نمود و راجع به عملیات جاری-

^۱ جنگ های اوپاما، مؤلف: باب وُدوارد، صفحه ۵۰

مخفی سی آی ای در بیش از ۶۰ کشور جهان به وی توضیحات داد. وُدوارد می افزاید که در جریان توضیحات، اوباما از هایدن راجع به فعالیت سی آی ای در پاکستان پرسید. هایدن گفت: "در حدود هشتاد فیصد حملات امریکا در جهان، در آنجاست. آسمان (پاکستان) در اختیار ماست. طیاره های بی پیلوت جنگی از پایگاه های مخفی ما در پاکستان نشست و برخاست می کنند..."^۲

به قول از باب وُدوارد، هایدن در ارتباط به افغانستان به رئیس جمهور اوباما گفت که ما "عملیات مهلک و دیگر نوع عملیات مخفی خود را مستقلانه و یا در حمایت از اردوی امریکا در افغانستان انجام می دهیم." این شامل حملات طیاره های بی پیلوت و فعالیت گروه مسلح ۳۰۰۰ نفری افغان سی آی ای یا (Counter-CTPT terrorism Pursuit Teams) می باشد.

با چاپ این کتاب، باب وُدوارد برای اولین بار موجودیت و فعالیت یک گروه شبه نظامی افغان سی آی ای را افشاء نمود و تمام رسانه های مشهور جهان، از واشنگتن پست گرفته تا نیویارک تایمز و آژانس های خبری چون اسوشیتد پرس... همه به نقل از این کتاب موضوع موجودیت گروه شبه نظامی فوق الذکر را خبرساز ساختند و روی آن گزارش های خود را تهیه و نشر نمودند. (برای معلومات بیشتر رجوع شود به لینک های خبری در این رابطه در آخر صفحه^۳)

ویکیلیکس هم به سلسله افشاء گری های خود (افشاء ۷۶۰۰۰ راپور نظامی امریکا)، در یک راپور، پایگاه ها یا تأسیسات امریکائی در افغانستان که در آنها اجیران افغان سی آی ای تربیت می شوند، به نام های (Fibase Lilley) و (Forward Operating Base Orgun-E) که در ولایت پکتیکا واقع اند، فاش نمود است.

همچنان این گروه شبه نظامی افغان سی آی ای که رسماً، به اساس کتاب وُدوارد و تأیید مقامات امریکائی، CTPT یا (Counter-terrorism Pursuit Teams) نامیده می شود، در راپور های ویکیلیکس به نام (Afghan OGA Forces) یاد شده اند. به نقل از واشنگتن پست، OGA به معنی "سازمان حکومت دیگر" یا (Other Government Agency) می باشد که هدف از آن سازمان سی آی ای است.^۴

سی تی پی تی: "یکی از بهترین نیروهای جنگی افغان برای امریکا"

اهمیت و قابلیت این گروه مسلح اجیرافغان برای اداره اوباما آنقدر مهم است که در ماه سپتمبر ۲۰۰۹، جو بایدن، معاون رئیس جمهور اوباما، گفته بود تا زمانیکه کم از کم دو پایگاه نظامی امریکا در بگرام و قندهار برقرار باشند، نیروهای خاص بتوانند در هر گوشه کشور عملیات انجام دهند، فضای هوائی افغانستان در کنترل امریکا باشد، شبکه استخباراتی ما در افغانستان اطلاعات هدفمند را برای نیروهای خاص تهیه کند و تیم ممتاز و قوی ۳۰۰۰ افغان سی آی ای (CTPT) بتواند آزادانه فعالیت نماید، القاعده دیگر به افغانستان بازگشت نخواهد کرد.^۵

Obama's Wars, Bob Woodward, page 50, Simon & Schuster

^۲ صفحه ۵۲ همان مأخذ

^۳ <http://abcnews.go.com/International/wireStory?id=11697593>

http://www.youtube.com/watch?v=9TX_R9R4oJs&feature=player_embedded#at=84

<http://www.npr.org/blogs/thetwo-way/2010/09/22/130041571/3-000-man-cia-army-conducts-operations-in-pakistan>

<http://www.businessweek.com/ap/financialnews/D9ID6G381.htm>

http://www.msnbc.msn.com/id/39307910/ns/world_news-south_and_central_asia/t/official-cia-runs-elite-afghan-fighting-force/

^۴ <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/09/22/AR2010092206241.html>

^۵ جنگ های اوباما، مؤلف: باب وُدوارد، صفحه ۱۵۹-۱۶۰

به قول باب وُدوارد، مک کریستال، قومندان سابق نیروهای ائتلاف بین المللی در افغانستان، تعداد گروپ شبه نظامی افغان سی آی ای را سه چند ساخته بود. به اساس معلومات این ژورنالیست واشنگتن پست، گروپ مسلح متذکره در آزمون موفقانه "حملات متعدد را هر شب در اطراف قندهار انجام می داد." ⁷ عملیات این گروه در خوست، پکتیکا و پکتیا نیز گزارش داده شده است.

رادیو ان پی آر (NPR) امریکا به نقل از یک مقام دولتی آنکشور راجع به این گروپ مسلح اجیر، در سایت خود می نویسد که " این یکی از بهترین نیروهای جنگی افغان است و این گروه سهم و همکاری بزرگ را برای ثبات و امنیت انجام داده است." ⁸

رادیو ان پی آر، همچنان می افزاید که یک مشاور اردوی امریکا که از وی نام نبرده است، ضمن تأیید موجودیت این گروه شبه نظامی گفته است که این گروه بعضی عملیات خود را در آنسوی سرحد، در پاکستان، انجام می دهد. ⁹

انجام عملیات در خاک پاکستان

وُدوارد در صفحه ۳۳۶ کتاب خود راجع به یک سفر لیون ایدوارد پنیته، رئیس سابق سازمان استخباراتی امریکا و وزیردفاع فعلی آنکشور به پاکستان و ملاقات وی با جنرال پرویزاشفاق کیانی، لوی درستی، معلومات می دهد. به اساس این منبع، در جریان ملاقات، رئیس سی آی ای به جنرال کیانی یک سلسله تقاضای های بیشتر را در ارتباط به عملیات سی آی ای در خاک آنکشور مطرح می نماید. پنیته به این باور بود که "پریداتور" یا طیارات بی پیلوت جنگی و دیگر امکانات مشابه هوایی، دقیقترین سلاح های جنگی می باشند که باید از آنها بیشتر استفاده نمود. وُدوارد می افزاید که پاکستان به دلیل حضور بزرگ نیروهای زمینی خود در جنوب، اجازه پرواز های "پریداتور" را در ساحات جغرافیائی معین به نام "باکسیز" (Boxes) داد. اما پنیته می خواست تا "پریداتور" ها در ساحات جنوبی دارای حضور نظامی پاکستان هم اجازه پرواز و فعالیت را داشته باشند. ("پریداتور" ها تنها یک نوع طیارات بی پیلوت تهاجمی نبوده بلکه از آنها برای کارهای کشفی و استخباراتی هم کار گرفته میشود.)

طی این ملاقات از جنرال کیانی راجع به شبکه حقانی پرسیده می شود که در مناطق سرحدی پاکستان حضور و فعالیت دارد و به قول از وُدوارد، "قرارگاه های فرقه ۷ پیاد اردوی پاکستان در نزدیکی آنجا قرار دارند" ⁹. از جنرال کیانی پرسیده شد که چرا معلومات استخباراتی آنجا کمتر شریک ساخته می شود؟ کیانی علت آنرا "توضیح نکرد" و پنیته با این احساس که ملاقات مؤثر نبوده آنجا را ترک کرد. پنیته به این نتیجه می رسد که "امریکا به یک نوع نیروهای زمینی ضرورت دارد." نیروهای امریکائی برای انجام عملیات زمینی، بسیار مرئی بود. روی همین دلیل، گروپ ۳۰۰۰ نفری CTPT او (رئیس سی آی ای) عملیات خود را در خاک پاکستان آغاز کرد.

⁶ جنگ های اوپاما، مؤلف: باب وُدوارد، صفحه ۳۳۵

⁷ <http://www.npr.org/blogs/thetwo-way/2010/09/22/130041571/3-000-man-cia-army-conducts-operations-in-pakistan>

⁸ <http://www.npr.org/blogs/thetwo-way/2010/09/22/130041571/3-000-man-cia-army-conducts-operations-in-pakistan>

⁹ جنگ های اوپاما، مؤلف: باب وُدوارد، صفحه ۳۶۷

در این اواخر، اصابت صد ها فیر راکت و هاوان از سوی پاکستان برخاک مقدس کشور و خاموشی ائتلاف بین المللی که به نام آوردن صلح و ثبات در کشور حضور دارند، باعث تعجب تعداد کثیری از افغانهای داخل و خارج کشور گردید. در تماس هائی که نگارنده در این زمینه با برخی ها در داخل کشور داشت، بعضی از منابع رسمی نزدیک به ریاست جمهوری و غیررسمی دیگر، که نخواستند نام های شان گرفته شود، امریکا را به طور غیر مستقیم در حملات پاکستان مسؤل دانستند. به قرار این منابع، گروه های مسلح ناشناس هستند در هر دو طرف سرحد که در بدل پول امریکا باعث بی ثباتی در مناطق سرحدی میان دو کشور می شوند...

ایدتور روزنامه واشنگتن پوست، هم در کتاب خود (جنگ های اوباما) می نویسد که رئیس جمهور کرزی و رئیس جمهور زرداری هردو به این باوراند که امریکا در عقب بعضی از حملات طالبان پاکستانی در خاک پاکستان می باشد.¹¹

سایت لوی افغانستان که به رادیو سپورمی (روی موج اف ام ۲۰۱۰۲) تعلق دارد و از کابل نشر می شود، در یک تبصره تحت عنوان "په پاکستانی بریدونو کی امریکایی اهداف" راجع به حملات پاکستان بر خاک افغانستان می نویسد که "درحلقات سیاسی کشور و از سوی حکومت پاکستان، به شکل غیررسمی، گفته می شود که دراردوی پاکستان حلقات امریکائی اند که برای اهداف خاص این کار (حملات) را انجام می دهند."¹¹

لوی افغانستان: "دا بنکاره ده چی پر افغانستان وروستی بریدونه د پاکستانی پوځ له لوري شوي، خو په سياسي کړيو او پاکستانی حکومت کې دا خبرې په نارسمي ډول کيږي چې دا په پاکستانی پوځ کې امریکایی کړی دي چې د امریکا د خانگرو اهدافو لپاره دا کار کوي. بنایي له دې سره دا پوښتنه را پیدا شي چې پاکستان ولي دا خبره په زغرده نه کوي؟ ددې پوښتنې ځواب دا دی چې پاکستان د خپل پوځ او پاکستانی دولت د حیثیت د ساتلو لپاره دا خبره په رسمي ډول نه کوي. د پاکستانی پوځ او استخباراتو دغه ډول حالت له دې وړاندې هم د امریکایی خانگرو ځواکونو له خوا د اسلام آباد په ځنډو کې د اسامه بن لادن د وژل کېدو په وخت کې پټ شوی و."

ظلم و بیبایی

در یک گزارش اسوشیتید پرس امریکا، به قول از جائتَن هورویز¹²، یک متخصص حقوق بشر در "انستیتوت اجتماع باز" آمده است که "گروپ های شبه نظامی در چنین یک پوشیدگی یا اختفاء فعالیت می نمایند که برای بیشتر افغانها جوابگوئی بد رفتاری های آنها تقریباً ناممکن است. این نیروها تحت فرمان مقامات امنیتی افغان نمی باشند و اگر یک فرد ملکی کشته می شود یا صدمه می بیند (از سوی این گروه ها)، امریکا می تواند بگوید که این تقصیر امریکا نبود."¹³

این کارشناس حقوق بشر همچنان افزوده است که افراد ملکی در افغانستان مرتباً این گروپ های شبه نظامی را به بد رفتاری های فزیکئی و سرقت مال شان در جریان عملیات شبانه متهم کرده اند.

¹⁰ جنگ های اوباما، مؤلف: باب وُدوارد، صفحه ۱۱۶-۱۱۷

¹¹ http://loyafghanistan.af/index.php?option=com_content&view=article&id=3529:2011-07-09-03-30-18&catid=76:hot-topic&Itemid=205

¹² Jonathan Horowitz, a human rights expert working with the Open Society Institute

¹³ http://www.huffingtonpost.com/2010/09/22/counterterrorist-pursuit_n_734961.html

روزنامه‌ و اشنگتن پست، به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰، در یک گزارش خود راجع به ظلم و بیبایگی گروه های اجیر افغان سی آی ای خبر داد که به تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۷، افراد مسلح مربوط به این شبه نظامیان در ارگون ولایت پکتیکا، "انگشتان دست چپ یک افغان ۳۰ ساله را در منزلش قطع کردند."^{۱۴}

در سال ۲۰۰۹، افراد مربوط به یکی از این گروه اجیرافغان برای سازمان استخباراتی امریکا، مطیع الله قانع، قومندان امنیه ولایت قندهار و عبدالخالق همدرد، مدیر مبارزه با جرایم جنائی را با یکتعداد از محافظین پولیس در یک حمله مسلحانه، به دلیل گرفتاری یک تن از این گروه، در دفترخارنوالی استیناف آن ولایت به قتل رساندند. به دلیل دخالت غیرمستقیم امریکا در این حادثه، رئیس جمهور کرسی بعد از تقبیح نمودن آن، از نیروهای ائتلاف بین المللی خواست تا مجرمین را فوراً به مقامات امنیتی افغان تسلیم کنند.

آژانس خبری اسوشیتید پرس گزارش می دهد که مقامات سابق و برحال امریکا گفته اند که حادثه قندهار کاملاً بررسی شده است و تحقیقات نشان می دهد که مأمورین سی آی ای هیچ نوع آگاهی قبلی که افغان اجیر شان به هدف کشتن (مقامات پولیس افغان) می روند، نداشتند.

همه می دانند که بیشتر افراد و اشخاصی که گذشته تاریک و پراز جنایات دارند، در بدل پول به صفوف چنین گروه های شبه نظامی می پیوندند و روشن است که چنین اشخاصی بعد گرفتن سلاح و داشتن پول و حمایت خارجی، حاضر به انجام هر نوع جرم و اعمال ضد انسانی می شوند. ازسوی دیگر، تجارب دهه هشتاد نشان داده است که گروه های شبه نظامی زاده سازمان های استخباراتی با گذشت زمان از کنترل خارج شده و به گروه های مسلح بیبایک مبدل گردیدند که بعضی آنها تاامروز فاکتورهای جنگ و بی ثباتی در کشور و منطقه می باشند.

قسمیکه در فوق ذکر گردید، رسانه های جهان و مقامات دولتی امریکا اکنون موجودیت و فعالیت گروه مسلح ۳۰۰۰ نفری اجیرافغان در خدمت سی آی ای را تأیید می کنند. اما برخی از افغان های خفته و نامستحضر همین که چیزی خلاف نام امریکا می شنوند یا می خوانند، فوراً نویسنده مطلب را یا به حزب اسلامی ربط می دهند و یا آنرا گماشته رژیم آخوندی ایران یا پاکستان می نامند. درحالیکه، هر عقل سلیم و هر افغان وطندوست با درک موجودیت چنین گروه های شبه نظامی اجیرسازمان های استخباراتی، این سؤال را می پرسد که اگر تربیه، تمویل و تجهیز چنین گروه های متشکل از هزارها افغان از سوی امریکا واقعاً به هدف "کمک و همکاری برای صلح و ثبات در کشور" باشد، پس چرا باید آنرا رسماً در چوکات ریاست امنیت ملی افغانستان ایجاد نکرد؟ ریاست امنیت ملی کشور در قدم اول با فعالیت های خطرناک سازمان های استخبارتی قدرت های همسایه و منطقه روبرو است. مگر نباید آنرا هرچه زودتر، همراه با اردوی ملی و پولیس ملی تقویت، تجهیز و تمویل نمود؟

ایالات متحده امریکا و متحدینش اردوی ملی کوریای جنوبی را در طول کمتر از سه سال از تقریباً هیچ به ۷۰۰.۰۰۰ نفر رساند. ولی با گذشت ده سال در افغانستان، پروسه بازسازی اردو و پولیس ملی هنوز هم بسیار بطی به پیش می رود. به جای آن ده ها شرکت امنیتی خصوصی و گروه های شبه نظامی پا پول غرب ایجاد می گردد که خودسرانه در داخل و سرحدات کشور عملیات انجام می دهند، مردم ملکی را شکنجه می کنند، از خود زندان ها دارند، به خانه های مردم تحت نام مبارزه با تروریسم شبانه حمله ور می شوند، چور و چپاول می کنند، موسفیدان و سران قوم و حتاء مأمورین دولت را ازبین می برند...

¹⁴ <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/09/22/AR2010092206241.html>

یکی از دلایل تیره گی روابط میان کابل و واشنگتن، فعالیت چنین ساختارهای سیاسی و نظامی موازی با حکومت کابل است و تا زمانی که این ساختارها وجود داشته باشند، صلح و ثبات در کشور دور از تصور خواهد بود. /ختم/